

نظام زمان - وجه - نمود در گویش هورامی پاوه

بیستون عباسی^{۱*}، آرزو نجفیان^۲

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور

۲. دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه پیام نور

دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۰۶ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۱۹

The Tense-aspect-mood System in Howrami Dialect of Paveh

Bistoon Abbasi^{1*}, Arezoo Najafian²

1. PhD Student of Linguistics, Payame Noor University

2. Associate Professor of Linguistics, Payame Noor University

Received: 2016/08/27 Accepted: 2016/12/09

Abstract

Hawrami, a member of Gurani-Hawrami-Zaza language family, is a North-Western Iranian language. Many scholars consider Hawrami as a member of Kurdish languages (or dialects) but this is a controversial issue and structural differences between Hawrami and other Kurdish dialects have deepened this controversy. One of the differences is Hawrami's complex system of Tense-Mood-Aspect (TMA), which this study aims to describe. A corpus of sound files and transcribed notes from NORM speakers of Hawrami living in Paveh has been used for this study. Analyses showed that TMA in Hawrami verbs consists of two tenses, past and present; five aspects including perfective, progressive imperfective, non-progressive imperfective, perfect and non-perfect ones; five moods including indicative, indicative/injunctive, subjunctive, imperative and conditional/optative ones. It was also revealed that, in Hawrami, perfective and imperfective aspects exist along with perfect and non-perfect ones. These possibilities together constitute 17 different categories, four of which in present tense and 13 others in the past. Besides, we found that Hawrami is mostly an ergative language, as 11 out of 17 TMA categories of this language have ergative case marking system. Ergative system characterizes itself with object agreement and adding some special pronoun clitics to the verbs.

Key Words: The Hawrami dialect of Paveh, verb, tense, aspect, mood, ergative construction.

چکیده

هورامی زبانی از خانواده گورانی-هورامی-زازه از زبان‌های ایرانی شاخه شمال غربی است. بسیاری این خانواده زبانی را جزء زبان‌های کردی به شمار می‌آورند، اما این موضوع محل اختلاف بسیار است و تفاوت‌های ساختاری که میان این زبان‌ها وجود دارد به این اختلاف دامن می‌زند. یکی از وجوه تفاوت این زبان با زبان‌های کردی نظام غنی و پیچیده زمان-وجه-نمود است، که هدف پژوهش حاضر معرفی و توصیف آن بوده است. داده‌های این پژوهش به صورت پیکره‌ای از فایل‌های صوتی و یادداشت‌های آوانویسی شده، از گویشوران هنجار این زبان در شهر پاوه و در طی سالهای ۱۳۸۹-۱۳۹۲ گردآوری شده است. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که نظام زمان-وجه-نمود در هورامی (گونه پاوه) دارای دو زمان حال و گذشته، پنج نمود تام، ناقص استمراری، ناقص غیراستمراری، کامل و ناکامل و پنج وجه اخباری، اخباری/تأکیدی، التزامی، امری و شرطی/آرزویی است که با هم هفده مقوله مختلف می‌سازند. مشخص شد که در هورامی نمودهای تام و ناقص در کنار نمودهای کامل و ناکامل وجود دارند. از هفده برشی که هورامی در نظام زمان-وجه-نمود زده، چهار مورد در زمان حال و سیزده مورد در زمان گذشته است. علاوه بر این، مشخص شد که هورامی زبانی عمدتاً کنایی است. یازده زمان از دوازده زمانی که در تقسیم‌بندی زمان گذشته قرار می‌گیرند دارای ساخت کنایی، و دو زمان گذشته و چهار زمان حال، جمعاً شش زمان، دارای ساخت فاعلی-مفعولی هستند. ساخت کنایی در این زبان خود را با مطابقت مفعولی و افزودن واژه‌بست‌های ضمیری خاص به فعل نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: گویش هورامی پاوه، فعل، زمان، نمود، وجه، ساخت کنایی.

*corresponding Author: Bistoon Abbasi

Email: bistoona@yahoo.com

* نویسنده مسئول: بیستون عباسی

مقدمه

زمان^۱، نمود^۲ و وجه^۳ سه مقوله معنایی مربوط به فعل هستند که در زبان‌های مختلف به شیوه‌های گوناگون نمایانده می‌شوند. بیان دستوری مفهوم زمان به مشخصه تصریفی فعل گفته می‌شود که به موقعیت زمانی رویداد فعلی، به ویژه گونه رویداد گفتاری مربوط می‌شود و سه ارزش حال، آینده و گذشته را دارا است. نمود شیوه نمایش موقعیت‌ها (وضعیت یا رویداد) با توجه به سازوکاری زمانی درونی آنها است. مقوله‌ای تصریفی است که ارتباط رویداد یا عملی را با گذر زمان، طول مدت یا تکمیل آن رمزگذاری می‌کند. نمود انواعی نظیر مستمر^۴، غیرمستمر^۵، کامل^۶، غیرکامل^۷ و آغازی^۸ دارد. در مقابل، وجه میزان واقعیت^۹ رویدادی است که با صورت‌های تصریفی بیان می‌شود. (شقایق، ۱۳۹۴).

این سه مفهوم معمولاً همپوشی و درهم‌تنیدگی ساختاری‌ای از خود نشان می‌دهند که بررسی هر کدام را بدون توجه به دو مفهوم دیگر، اگر نه غیرممکن، اما دشوار کرده‌است. این درهم‌تنیدگی باعث شده که به جای پرداختن به هر کدام به تنهایی، صحبت از «نظام زمان - وجه - نمود»^{۱۰} به میان بیاید (نک. بویج^{۱۱}، ۲۰۰۷). در این پژوهش، نظام مذکور در زبان هورامی بررسی می‌شود. هدف آن است که تظاهر سه مفهوم زمان، نمود و وجه در تصریف فعل هورامی مشخص شود.

هورامی زبانی است از خانواده گورانی - هورامی - زازا، که از زبان‌های ایرانی شاخه شمال غربی هستند. بسیاری این زبان، و البته کل این خانواده را، جزء زبان‌های کردی به شمار می‌آورند، اما این موضوع محل اختلاف بسیار است و فقدان مدارک معتبر راه به اظهار نظر قطعی نمی‌دهد (نک. مکزی^{۱۲}، ۱۹۶۱؛ گونتر^{۱۳}، ۲۰۰۳؛ و هایگ^{۱۴}، ۲۰۰۴). هورامی عمدتاً در منطقه هورامان (در متون رسمی اورامان) در غرب ایران، در دو استان کرمانشاه و کردستان، و در بخش کوچکی از شرق کردستان عراق گویشور دارد. هورامی دارای گویش‌های مختلفی است که عمده‌ترین آنها عبارتند از تختی، لهونی، ژوه‌رویی و پاوه‌ای. در این مقاله گویش پاوه‌ای این زبان، که در شهر پاوه در استان کرمانشاه تکلم می‌شود، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این مقاله هر جا که به هورامی اشاره می‌شود مقصود گویش پاوه‌ای است مگر آنکه در متن مشخص شود.

در اینجا به اختصار به برخی ویژگی‌های صرفی و نحوی هورامی، که جهت فهم داده‌ها در بخش‌های بعدی ضروری به نظر می‌رسد، اشاره می‌شود. نخست به جنس دستوری این زبان می‌پردازیم و پس از آن مقوله حالت، ساخت کنایی در برخی زمان‌های دستوری و ساخت‌های معلوم و مجهول به اختصار معرفی می‌شوند.

در هورامی دو جنس دستوری مذکر و مؤنث از هم تفکیک می‌شوند. تمایز دو جنس در اسم، ضمیر، صفت، نشانه معرفگی و فعل نشان داده می‌شود. اسم‌ها و صفت‌های مؤنث بر اساس سه معیار از اسم‌ها و صفت‌های مذکر تمییز داده می‌شوند. نخست، به واسطه واکه پایانی آنها که -æ، -i یا -ε است، مانند lutæ «دماغ»، twæni «سنگ» و knatfε «دختر». البته همه اسم‌ها و صفت‌های مختوم به این سه واکه مؤنث نیستند، اینجا است که معیار دوم جنسیت را تعیین می‌کند. در اسم‌ها و صفت‌های مذکر و اسم‌ها و صفت‌های مؤنث مختوم به -ε- هجای پایانی تکیه‌بر است، اما در اسم‌ها و صفت‌های مؤنث (جز آنها که به -ε- ختم می‌شوند) هجای ماقبل آخر دارای تکیه است، مانند 'lūta «دماغ» و ja'næ «خانه». معیار سوم قابلیت تجزیه است. با توجه به اینکه سه واج مذکور در اسم‌ها و صفت‌های مؤنث، در حقیقت پایانه‌های نشانه جنسیت هستند، هر اسم یا صفت مؤنث را می‌توان به یک ستاک و نشانه تأنیث تجزیه کرد، مانند واژه‌های zæni «زن» که قابل تجزیه به zæn-i است. البته باید خاطر نشان کرد که سازه zæn- یک سازه به خودی خود کامل و مستقل نیست بلکه تنها در واژه‌های مرکب ظاهر می‌شود، مثلاً واژه zæn-bra «برادر زن». اما اسم مذکری را که به یکی از سه واج فوق ختم می‌شود نمی‌توان به این طریق تجزیه کرد (عباسی، ۱۳۹۰: ۱۳)، زیرا این واج‌ها جزئی از ساخت خود واژه بوده و قابل جدا کردن نیستند. مثلاً janæ «خانه» که اسم مذکری است، هیچ‌گاه تجزیه نمی‌شود و در هیچ ساختی بدون æ پایانی خود ظاهر نمی‌شود.

هورامی دارای دو نظام حالت فاعلی - مفعولی و کنایی است. به عبارت دیگر ساخت برخی از جملات کنایی و ساخت برخی دیگر مفعولی است (رک. نقشبندی، ۱۳۹۰؛ راسخ مهند و نقشبندی، ۱۳۹۲؛ هولمبرگ^{۱۵} و اودن^{۱۶}، ۲۰۰۴). نمود ساخت کنایی در هورامی بدین صورت است که فعل لازم با فاعل آن و فعل متعدی با مفعول خود در شخص، شمار و جنس مطابقت می‌کنند، مانند جملات (۱-۴). علاوه بر این، در ساخت‌های متعدی یک ضمیر شخصی که در شخص، جنس و شمار مطابق فاعل است، به صورت واژه‌بست به مفعول متصل می‌شود، مانند جملات (۳) و (۴). در بخش بحث و در معرفی زمان‌های مختلف هورامی، ساخت‌های کنایی را معرفی خواهیم کرد.

1. tense
2. aspect
3. mood
4. continuous
5. dis-continuous
6. derfect
7. non-perfect
8. inceptive
9. actuality
10. TMA system
11. Boojj
12. MacKenzie
13. Gunter
14. Haig

15. Holmberg
16. Odden

(j/jæ/ja) که با افزوده شدن به ریشه فعل ستاک مجهول تولید می‌کند، به عنوان نمونه، مصدرهای «کشتن» kʊʃtæj «خوردن» wardæj و «نوشتن» nwisæj معلوم و مصدرهای «کشته شدن» kʊʃtæj «نوشته شدن» nwisæj و «خورده شدن» wɹjæj مصدرهای مجهول متناظر با آنها هستند.

بخش اعظم داده‌های این پژوهش را یکی از نگارنده‌گان که خود گویشور بومی زبان هورامی پایه است، به صورت پیکره‌ای از فایل‌های صوتی و یادداشت‌های آوانویسی شده، در طی سالهای ۱۳۸۹-۱۳۹۲ گردآوری کرده است. علاوه بر این، برای تکمیل داده‌ها تعدادی مصاحبه ضبط، پیاده‌سازی و آوانویسی شدند. به منظور صحت هرچه بیشتر داده‌ها، در انتخاب مصاحبه‌شونده‌ها سعی بر آن بود که حتی الامکان از گویشوران هنجار یعنی افرادی با سن بالا و کاملاً یک زبانه و ساکن شهر پایه انتخاب شوند.

پیشینه پژوهش

مکنزی (۱۹۶۶) نظام زمان افعال هورامی (گویش لهونی) را به «زمان‌های ساده»^۴ و «زمان‌های مرکب»^۵ تقسیم می‌کند. البته چنانکه از فهرست زمان‌ها برمی‌آید، منظور مکنزی از عبارت «نظام زمان» در واقع «نظام زمان-وجه-نمود» است. طبق توصیف وی، هر فعل دو ستاک^۶ دارد؛ حال و گذشته. زمان‌های ساده یا از ستاک حال ساخته می‌شوند یا از ستاک گذشته، اما زمان‌های مرکب از ترکیب یک اسم مفعول، که از ستاک گذشته ساخته می‌شود، و زمان‌های ساده افعال ربطی^۷ ساخته می‌شوند. زمان‌های ساده عبارتند از حال اخباری^۸، حال التزامی^۹، یک زمان ناقص^{۱۰}، امری^{۱۱}، گذشته اخباری^{۱۲} و گذشته شرطی^{۱۳}. زمان‌های مرکب نیز عبارتند از اخباری کامل^{۱۴}، التزامی کامل^{۱۵}، گذشته بعید^{۱۶}، و یک کامل شرطی^{۱۷}. گرچه توصیف مکنزی درباره گویش لهونی است، که مغایرت‌هایی با گویش پایه دارد، اما این تقسیم‌بندی در مورد گویش پایه نیز مصداق دارد. به این معنا که این زمان‌ها در گویش پایه نیز وجود دارند، اما ساخت آنها با گویش لهونی متفاوت است. علاوه بر این، نظام مکنزی کامل نیست و در آن زمان‌هایی از قلم افتاده‌اند که در هر دو گویش وجود دارند.

4. simple tenses
5. compound tenses
6. stem
7. substantive verbs
8. present indicative
9. present subjunctive
10. imperfect
11. imperative
12. past indicative
13. past conditional
14. perfect indicative
15. perfect subjunctive
16. pluperfect
17. perfect conditional

- 1) æm lwa-nɛ
I go.PAST-1st.Sg.
من رفتم.
- 2) to lwa-j
you go.PAST-2nd.Sg.
تو رفتی
- 3) æm aɖæ-m di-æ¹
I she-1st.Sg.Subj see.PAST-3rd.Sg.f.Obj
من او را دیدم.
- 4) aɖæ æmn-ɸ di-an
she I-3rd.Sg.Subj see.PAST-1st.Sg.Obj
او من را دید.

در هورامی اسم دارای دو حالت صریح^۲ و غیرصریح^۳ است (رک. مکنزی، ۱۹۶۶: ۱۳-۱۵). اسم‌ها در جایگاه‌های مفعول ساخت‌های فاعلی-مفعولی، فاعل ساخت‌های کنایی، متمم حرف اضافه و مضاف‌الیه، در حالت غیرصریح، و سایر اسم‌ها در حالت صریح ظاهر می‌شوند. حالت صریح فاقد نشانه است، اما نشانه حالت غیرصریح در اسم‌های مفرد مذکر و مؤنث، به ترتیب، /j/ (بسته به بافت آوایی) و ɛ، و در اسم‌های جمع an است، مانند جملات (۵) و (۶). البته اسم‌های مؤنث مختوم به ɛ در حالت غیرصریح نشانه حالت نمی‌گیرند. نشانه دیگر حالت غیرصریح واژه‌بست‌های ضمیری هستند که (در معرفی نظام حالت کنایی گفته شد و در جملات (۳) و (۴) دیدیم) به مفعول متصل می‌شوند.

- 5) Bistun Babæk-i mə-win-o
Bistoon Babak-Obl. IND-see.PRES-3rd.Sg.
بیستون بابک را می‌بیند.
- 6) pæj janæ-j lw-ɛnɛ
to home-Obl. Go.PAST-1st.Sg.
به خانه می‌رفتم.

موضوع دیگری که طرح آن در این مقدمه ضروری به نظر می‌رسد، ساخت‌های معلوم و مجهول و تفاوت آنها در هورامی است. تقابل معلوم و مجهول در هورامی از تقابل ستاک‌های معلوم و مجهول فعل آغاز می‌شود. در این زبان یک تکواژ مجهول ساز وجود دارد

۱. آوای ɸ یک ناسوده بین دندانی است که آن را واج‌گونه t و d می‌دانند. با وجود این، از آنجا که دو ضمیر سوم شخص مفرد مذکر aɖ و مؤنث aɖæ هیچ‌گاه به صورت at یا ad یا atæ یا adæ تلفظ نمی‌شوند و چنین تلفظی توسط گویشوران بومی غیردستوری ارزیابی می‌شود، علی‌رغم واج‌گونه بودن، در واج‌نویسی داده‌ها بدین صورت ثبت شد.

2. direct
3. oblique

است که دبیرمقدم به عنوان صورت (ب) «نمود ناقص (یا نمود استمراری)» معرفی می‌کند، مانند (۱۰). این نشان می‌دهد که استفاده از صورت‌های مختلف صفت *xærik* نه نشانه نمود ناقص، که نشانه تأکید است.

9) *xærik-ænan m-war-u*
busy-be.PRES.1st.Sg. IND-eat.PRES-1st.Sg.

مشغول خوردن هستم (مشغول خوردنم).

10) *xærik-ænan ward-i m-war-u*
busy-be.PRES.1st.Sg. eat.PAST-Link IND-eat.PRES-1st.Sg.

مشغول خوردن هستم.

در هورامی ساخت‌های دیگری نیز داریم که از نظر معنایی مشابه این دو صورت، و به عبارت بهتر، صورت بی‌نشان ساخت‌هایی نظیر (۹) هستند، مانند (۱۱) که دبیرمقدم (همان: ۸۱۲) نیز به آن اشاره کرده است. واضح است این جمله، که معنای همه اجزای آن مطابق است با همه اجزای جمله فارسی «مشغول خوردنم»، ارتباطی به تصریف فعل *xordæn* ندارد و از این رو، از موضوع تصریف زمان، وجه و نمود خارج است.

11) *xærik-u wardæj-ænan*
busy-Izafe to eat-be.PRES.1st.Sg.
 مشغول خوردن هستم (مشغول خوردنم).

دوم، دبیرمقدم شق (ب) ساخت نمود ناقص را حاصل «ترکیب اسم مفعول فعل اصلی به علاوه تصریف همان فعل اصلی (یعنی به نوعی تکرار فعل اصلی)» می‌داند و بر همین اساس ساخت *ward-i* را در جملاتی نظیر (۱۰) اسم مفعول و *-i* (که گاهی بسته به شرایط آوایی، به صورت *-j* ظاهر می‌شود) نشانه آن می‌خواند. بدون تردید ساخت‌هایی نظیر *ward-i*، *ward-i* که از پیوند ستاک گذشته فعل و پایانه *-i* ایجاد شده‌اند، از نظر همزمانی، در هورامی پاوه فاقد معنا و ناپذیرفتنی هستند، در حالی که اسم مفعول ساختی است که به خودی خود و مستقلاً باید دارای معنا بوده و در تولید ساخت‌های دیگری نیز نقش ایفا کند. با توجه به اینکه هورامی دارای ستاک‌های معلوم و مجهول متمایز است، اسم مفعول در این زبان به دو صورت ساخته می‌شود: ستاک گذشته معلوم *+æ* (بر حسب شخص، شمار و جنس، ممکن است به صورت *ε* ظاهر شود)؛ ستاک حال معلوم *+t*؛ ستاک مجهول *+a*، مانند *wt-æ* «خوابیده» و *ws-j-a* «خوابانده شده»، *sot-æ* «سوخته» و *sof-j-a* «سوزانده شده»، *ward-æ* «خورده» و *wr-j-a* «خورده شده». حال اگر فرض کنیم *ward-i* در جمله (۱۲) اسم مفعول است، اضافه شدن *-j* به اسم

دبیرمقدم (۱۳۹۲) نیز در لابلای بحث از ویژگی‌های رده‌شناختی هورامی پاوه به موضوع زمان و نمود در این زبان پرداخته است. وی هفت زمان-نمود مختلف برای این زبان بر می‌شمارد، که عبارتند از: مضارع ساده، مضارع استمراری، ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی بعید، ماضی استمراری و ماضی التزامی. نظامی که دبیرمقدم ترسیم می‌کند، نظامی ناقص است. البته چنانکه گفته شد، بحث اصلی وی ویژگی‌های رده‌شناختی است و تصریف زمان-نمود-وجه برای وی موضوعی فرعی است. علاوه بر این، نظام وی دارای کاستی‌های دیگری است که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

دبیرمقدم (۱۳۹۲) در پانوشت صفحه ۸۰۷ کتاب خود «صیغگان ماضی التزامی» هورامی را با صرف مصدر *wardæj* «خوردن» معرفی می‌کند. از نظر وی ساخت‌های مثال (۷) ماضی التزامی هستند (واحدنویسی مثال‌های دبیرمقدم به شیوه معمول در این مقاله تغییر یافته است). اما واقعیت این است که این ساخت‌ها معرف یک زمان گذشته شرطی/آرزویی هستند که در بخش (۳-۳) قسمت (د) به آن خواهیم پرداخت. ساخت زمان ماضی التزامی نیز در بخش (۳-۳) قسمت (خ) خواهد آمد و مثال‌های آن در (۸) مشاهده می‌شوند.

7) *ward-i-bja-m* (اگر/کاش) خورده بودم.
Wardi-bja-ǝ (اگر/کاش) خورده بودی.
wardi-bja-f (اگر/کاش) خورده بود.

...
 8) *ward-æ-bo-m* خورده باشم.
ward-æ-bo-ǝ خورده باشی.
ward-æ-bo-f خورده باشد.

دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۸۰۶) برای «نشان دادن نمود ناقص (یا نمود استمراری) در زمان حال» در هورامی دو صورت ذکر می‌کند، که عبارتند از: «الف) با تصریف ستاک *xærikænan* «مشغول بودن» به علاوه تصریف فعل اصلی؛ یا (ب) از ترکیب اسم مفعول فعل اصلی به علاوه تصریف همان فعل اصلی (یعنی به نوعی تکرار فعل اصلی)». هر دو شق این تحلیل خالی از ایراد نیست. نخست، *xærikænan* مصدر یک فعل اصلی یا کمکی نیست، بلکه یک جمله اسنادی حاصل از تلفیق صفت *xærik* «مشغول» با صورت واژه‌بستی فعل ربطی *bja-j* «بودن» است (نک. جدول شماره ۱)، که معادل «مشغول است» یا، به عنوان معادلی دقیق‌تر، معادل «مشغوله» در فارسی محاوره‌ای است. حال نکته این است که اگرچه ساخت‌هایی نظیر (۹) در هورامی وجود دارد، اما این ساخت نشان‌دار و به شدت کم کاربرد است. کاربرد صورت‌هایی چون *xærik-ænan* «مشغولم»، *xærik-æni* «مشغولی»، *xærik-æn* «مشغوله» و ... بیشتر با ساخت‌هایی

15) kɔft-i mæ-kɔf-u
kill.PAST-Acc INFL-kill-1st.Sg.
دارم می‌کشم.

این تحلیل اگرچه اقتصادی و زیبا است، اما درست به نظر نمی‌رسد. طبق تعریف کریستال، مفعول هم‌ریشه «مفعولی است که از نظر تاریخی با فعلی که بر آن حاکمیت دارد ریشه یکسانی دارد» (۲۰۰۸: ۱۰۹). بر اساس این تعریف مفعول هم‌ریشه، یک مفعول عادی است و تنها وجه ممیزه آن هم‌ریشه بودن با فعل است؛ به عبارت دیگر، این مفعول باید از مقوله اسم و تنها مفعول فعل باشد. اما kɔft در (۱۵) از مقوله اسم نیست و گذشته از این، بسیاری از ساخت‌های حاصل دوگان‌سازی مفعول مستقیم مستقل دارند، مانند (۱۶) و (۱۷). از این رو، تحلیل هولمبرگ و اودن را در خصوص این ساخت‌ها نمی‌توان پذیرفت.

16) kɔft-i-f-mæ-kɔf-u
kill.PAST-Link-Obj.3rd.Sg-IND-kill.
PRES.1st.Sg.Subj
دارم او را می‌کشم.

17) bistun-i kɔft-i-kɔf-ɛnɛ
Bistoon-Obl kill.PAST-Link-kill.PRES-
Subj.3rd.Pl
داشتند بیستون را می‌کشتند.

علاوه بر آثاری که معرفی گردید، نقشبندی در سلسله مقالاتی با همکاری متعدد ساخت‌های کنایی در هورامی و همچنین ساخت‌های استمراری این زبان را بررسی کرده است. کریمی دوستان و نقشبندی (۱۳۹۰)، راسخ مهند و نقشبندی (۱۳۹۲الف)، راسخ مهند و نقشبندی (۱۳۹۲ب) و نقشبندی (۱۳۹۳) معتقدند هورامی تنها در زمان گذشته ساده از الگوی حالت کنایی بهره می‌گیرد. در بخش سوم خواهیم دید که الگوی کنایی تنها به زمان گذشته ساده محدود نمی‌شود.

کریمی و نقشبندی (۱۳۹۰) ساخت‌های استمراری حاصل از دوگان‌سازی را معرفی کرده‌اند. به باور آنها در زمان‌های مضارع اخباری، ماضی استمراری و ماضی ساده، صورت‌های «استمراری-تأکیدی» حاصل از دوگان‌سازی ساخته می‌شوند. در حالی که این ساخت‌ها در واقع مضارع استمراری، ماضی استمراری و ماضی ساده تأکیدی هستند. کریمی و نقشبندی در تحلیلی که از این ساخت‌ها ارائه کرده‌اند، سازه نخست آنها را (همچون kɔft-i در مثال ۱۵) مصدر خوانده‌اند. اگرچه در مورد فعل‌هایی همچون gɛɫaj گشتن و ræmaj دودین، این ساخت شبیه مصدر است، اما در مورد بسیاری از فعل‌ها، مانند wtæj خوابیدن، bærdæj بردن، kɔftæj کشتن، و... این ساخت به صورت wt-i

مفعول wt-j-a در جمله (۱۳) قابل توجیه نیست. اگر بپذیریم که ساخت ماضی نقلی هورامی با استفاده از اسم مفعول تولید می‌شود، مانند wt-ɛ-n «خواهیده است» و kɔf-j-a-n «کشته شده است»، می‌توان نتیجه گرفت که ساخت‌های تولید شده با پایانه -i در جملاتی نظیر (۱۲) اسم مفعول نیستند.

12) ward-i m-war-u
eat.PAST-Link IND-eat.PRES.1st.Sg.
دارم می‌خورم.

13) wr-j-a-j mæ-wr-j-o
eat.PRES-Pass-Part-Link IND-eat.PRES-
Pass-3rd.Sg.
دارد خورده می‌شود.

در ستاک‌های معلوم نیز موارد متعددی وجود دارد که، همچون جمله (۱۳)، عنصر i/ɔ پس از سازه‌ای قرار می‌گیرد که ساختار آن اسم مفعول است، مانند مثال (۱۴). چنانکه دیده می‌شود، در این ساخت‌ها gɛɫa و lwa به تنهایی اسم مفعول هستند، از این رو، -j نمی‌تواند نشانه اسم مفعول باشد.

14) gɛɫa-j gɛɫ-ɛnɛ
lwa-j lw-ɛnɛ
داشتم می‌گشتم.
داشتم می‌رفتم.

دیرمقدم علاوه بر زمان-نمود، به نظام کنایی در هورامی پاره اشاره می‌کند (۱۳۹۲: ۸۴۷-۸۵۰). به زعم وی، هورامی در زمان حال دارای نظام مفعولی و در زمان گذشته دارای نظام کنایی است، اما چنانکه در بخش (۳-۳) خواهیم دید، همه صیغه‌های گذشته از این نظام پیروی نمی‌کنند. هولمبرگ و اودن (۲۰۰۴) نیز به ساخت‌های کنایی در هورامی پرداخته‌اند. آنها در بحث خود چهار زمان-نمود مضارع ساده، مضارع استمراری، ماضی ساده و ماضی استمراری را معرفی کرده‌اند. ناگفته پیداست که این نظام نیز با نظام کامل زمان-نمود-وجه هورامی فاصله زیادی دارد. هولمبرگ و اودن بر این باورند که تنها افعال متعدی در زمان ماضی ساده واجد نظام حالت کنایی هستند.

هولمبرگ و اودن نیز در خصوص ساخت‌های استمراری حاصل از دوگان‌سازی تحلیلی ارائه کرده‌اند که مبنای آن مفعول هم‌ریشه است. به زعم هولمبرگ و اودن kɔft در مثال (۱۵) مفعول هم‌ریشه فعل و -i نشانه حالت مفعولی است (مثال و تحلیل از هولمبرگ و اودن، ۲۰۰۴).

است، کمک گرفت. در هورامی لهونی و هورامی پاوه ساخت مصدر کاملاً یکسان است، یعنی حاصل افزوده شدن تکواژ مصدر ساز -æj/aj- به ستاک گذشته است. ساخت‌های حاصل از دوگان‌سازی در هورامی لهونی نیز وجود دارند، اما سه تفاوت عمده با ساخت‌های متناظر خود رد هورامی پاوه دارند. نخست اینکه، برخلاف هورامی پاوه که تنها ستاک گذشته می‌تواند در تولید سازهٔ نخست ساخت‌های حاصل از دوگان‌سازی حضور داشته باشد، در هورامی لهونی ستاک حال نیز می‌تواند در تولید سازهٔ نخست نقش داشته باشد، مانند (۱۸).

18) for-aj for-u
wash.PRES-Link wash.PRES-1st.Sg
دارم می‌شورم.

تفاوت دیگر این است که گاهی نشانهٔ اخباری - استمرار به هر دو ستاک اضافه می‌شود، مانند (۱۹).

19) m-wær-aj m-wær-u
IND-eat.PRES-Link IND-eat.PRES-1st.Sg
دارم می‌خورم.

و تفاوت سوم اینکه در برخی ساخت‌ها نشانهٔ مورد بحث، نه به صورت -i/j- و نه به صورت -æj/aj- ظاهر نمی‌شود، مانند (۲۰).

20) gɛɫa gɛɫa-na
roam.PAST roam.PAST-1st.Sg
داشته‌ام می‌گشتم.

در (۱۸) می‌بینیم که ستاک حال فعل با پایانهٔ -aj- ظاهر شده است و می‌دانیم که ستاک حال، بدون تکواژ گذشته، به هیچ وجه نمی‌تواند مصدر تولید کند. بنابراین، سازهٔ for-aj در این ساخت مصدر نیست. در (۱۹) نیز، علاوه بر مورد فوق، سازهٔ مورد نظر تکواژ تصریفی اخباری - استمراری m- پذیرفته است، که این نیز برای مصدر پذیرفتنی نیست. و در نهایت در (۲۰) می‌بینیم که ستاک گذشته به تنهایی سازهٔ نخست را تشکیل داده و تکواژ مصدر ساز ندارد، از این رو می‌توان نتیجه گرفت که سازهٔ نخست مصدر نیست.

علاوه بر آنچه گفته شد، سه جملهٔ (۱۲)، (۱۳) و (۱۴) نیز یک وجه مشترک دارند که ما را به فرضیه‌ای دیگر رهنمون می‌شود. اگر عنصر -i/j- را از سازهٔ مورد بحث حذف کنیم، آنچه در هر سه مورد باقی می‌ماند ستاک گذشته است؛ ward ستاک گذشتهٔ معلوم از مصدر «خوردن»، gɛɫa ستاک گذشتهٔ مجهول از مصدر «خورده شدن» و wɪʃa ستاک گذشتهٔ معلوم از مصدر «گشتن». به این ترتیب فرضیهٔ دوم

kuʃt-i و bærd-i است و نمی‌توان آن را مصدر دانست مگر اینکه فرض کنیم نشانهٔ مصدر ساده شده و به صورت i/j در آمده است.

کریمی و نقشبندی (همان) در تحلیل خود آورده‌اند که در ساخت‌های حاصل از دوگان‌سازی، مفعول مستقیم «هیچگاه» به شکل گروه اسمی بروز نمی‌یابد و تنها به صورت واژه‌بست ضمیری هم‌مرجع با مفعول ظاهر می‌شود، در غیر این صورت ساخت حاصل غیردستوری می‌شود. چنانکه در (۱۷) دیدیم امکان حضور مفعول در این ساخت‌ها، اگرچه معمول نیست، اما غیرممکن نیست و لزوماً به یک ساخت غیردستوری منجر نمی‌شود.

اگرچه این بخش به معرفی پیشینهٔ پژوهش اختصاص دارد و جای ارائهٔ تحلیل نیست، اما برای اینکه بحث در جای دیگری مجدداً مطرح نشود و برای اینکه ماهیت عنصر -i/j- را مشخص کنیم، سه مثال (۱۲)، (۱۳) و (۱۴) را بیشتر بررسی می‌کنیم. مثال‌های (۱۳) و (۱۴) یک وجه اشتراک دارند و آن اینکه دو ساخت wɪʃ-a-j- و gɛɫa-j- که اولی مجهول و دومی معلوم است، صرف نظر از تحلیلی که ذیل آنها ارائه شد، می‌توانند مصدر نیز به شمار روند. wɪʃaj 'خورده شدن' مصدر مجهول و gɛɫaj 'گشتن' مصدر معلوم است. بنابراین می‌توان فرضیه‌ای مطرح کرد مبنی بر اینکه جملات از این دست حاصل افزوده شدن مصدر به تصریف معمول فعل هستند (برخلاف آنچه دبیرمقدم حاصل ترکیب اسم مفعول و تصریف فعل می‌داند)، با این توضیح که در پاره‌ای موارد، همچون (۱۲) نشانهٔ مصدر -æj/-aj- ساده شده و تنها -j- یا -i- باقی مانده است. به این ترتیب معادل تحت‌اللفظی جملهٔ (۱۲) عبارت خواهد بود از «خوردن می‌خورم»، که بر اساس تحلیل دبیرمقدم معادل «خورده می‌خورم» بود.

جهت بررسی صحت و سقم این فرضیه، نگارندگان ۳۵۱ مصدر ساده هورامی را بررسی کردند. در پایان مشخص گردید که از این تعداد، تکواژ مصدر ساز ۵۶ مصدر در ساخت مورد نظر ساده شده و به صورت -i/j- در آمده است. همهٔ مصدرهای ساده شده مختوم به -æj- هستند و مصدرهای مختوم به -aj- ساده نمی‌شوند. علاوه بر این، باید در نظر داشت که همهٔ مصدرهای مختوم به -æj- ساده نشده و پایانهٔ شش مصدر مختوم به -æj- به همان صورت حفظ شده است. این امر باعث می‌شود که نتوان این توجیه را به عنوان یک تحلیل اقتصادی پذیرفت.

این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که عنصر -i/j- به عنوان تکواژگونه‌ای از تکواژ مصدر ساز (براساس فرضیهٔ مطرح شده) در هیچ بافت دیگری در پیکره مشاهده نمی‌شود. علاوه بر این، از منظر آوایی نیز می‌توان استدلال کرد که تبدیل [æj] به [i] در بافت‌ها و ساخت‌های دیگر این زبان مشاهده نمی‌شود، از این رو فرض چنین تغییری احتمالاً قرین واقعیت نخواهد بود.

می‌توان برای هر چه روشن‌تر شدن موضوع از ساخت متناظر با ساخت مورد نظر در نزدیک‌ترین گویش به هورامی پاوه، که هورامی لهونی

تاریخ است»^۴ معروف است (نک. بویج، ۲۰۰۷: ۱۳۴). بر همین اساس، تفکیک دو مفهوم زمان دستوری و زمان واقعی ضروری به نظر می‌رسد.

(۲۱) رستم به نبرد با افراسیاب می‌اندیشد و می‌داند که پیروز خواهد شد.

انسان، در فرایندهای اندیشیدن، تخیل، ایجاد ارتباط، تبادل اطلاعات و هر فعالیت دیگری که با زبان سروکار دارد، بی‌نیاز از پرداختن و ارجاع به زمان نیست. وی همواره در حال مشخص کردن و نشان دادن جای پدیده‌های مختلف روی محور زمان است. چنانکه کامری^۵ (۱۹۸۵: ۸) عنوان می‌کند، در زبان‌های بشری به سه طریق جای پدیده‌ها روی محور زمان نشان داده می‌شود: عبارتهای مرکب واژگانی^۶، مانند «یک هفته بعد از ثبت نام»؛ عناصر واژگانی^۷، مانند «دیروز»، «الان»، «فردا»؛ و مقولات دستوری^۸، مانند مقولات حال، گذشته، ماضی نقلی و غیره. بنا به تعریف کامری «زمان [دستوری] بیان دستوری‌شده موقعیت در زمان [واقعی] است» (۱۹۸۵: ۹). «زمان [دستوری] زمان [واقعی] یک موقعیت را به زمان [واقعی] دیگری، که معمولاً زمان مکالمه است، مرتبط می‌کند» (کامری، ۱۹۷۶: ۱-۲). یکی از راه‌های نشان دادن زمان در زبان صرف فعل است.

پیش‌تر گفته شد که بیان دستوری مفهوم زمان به مشخصه تصریفی فعل گفته می‌شود که به موقعیت زمانی رویداد فعلی، به ویژه گونه رویداد گفتاری مربوط می‌شود. در بیشتر زبان‌ها میان سه زمان گذشته، حال و آینده تمایز برقرار می‌شود. زمان گذشته جایگاهی را نشان می‌دهد که در محور زمان پیش از لحظه اکنون قرار می‌گیرد، زمان حال به لحظه اکنون اشاره دارد و زمان آینده، برعکس زمان گذشته، جایگاهی پس از لحظه اکنون را می‌نماید. با اینحال ممکن است هر سه زمان یاد شده در قالب مقولات دستوری ظاهر نشوند و به وسیله عبارات مرکب واژگانی یا عناصر واژگانی نشان داده شوند. سه جمله (۲۲)، (۲۳) و (۲۴) تمایز میان سه زمان گذشته، حال و آینده را نشان می‌دهند.

(۲۲) کتابها را خواندم.

(۲۳) کتابها را می‌خوانم.

(۲۴) کتابها را خواهم خواند.

از این قرار است که این جملات حاصل افزوده شدن ستاک گذشته فعل به تصریف معمول همان فعل هستند، البته با میانجی‌گری یک عنصر که در صورت ختم شدن ستاک گذشته به همخوان، /i/ و در صورت ختم شدن آن به واکه، /j/ است.

عنصری که با آن سر و کار داریم در هورامی بسیار آشنا است و این امر می‌تواند منشأ فرضیه‌های دیگری درباره ماهیت آن باشد. مثلاً نشانه حالت غیر صریح که در مقدمه به آن اشاره شد /i- است. اما از آنجا که در هورامی تنها اسم نشانه حالت می‌پذیرد، و براساس پیکره ستاک گذشته را به تنهایی نمی‌توان اسم به شمار آورد، باید گفت این عنصر در این ساخت نشانه حالت نیست.

شناسه دوم شخص مفرد نیز در برخی زبان‌ها (چنانکه خواهیم دید) - /j/ است. اما از آنجا که در این بافت شناسه‌های دیگر ظاهر نمی‌شوند، نمی‌توان آن را شناسه شخصی دانست. همچنین، یکی از نشانه‌های اسم مفعول نیز -j- (نه -i-) است. اما چنانکه پیشتر در این باب گفتیم، این سازه نمی‌تواند اسم مفعول باشد.

با توجه به آنچه گفته شد، تنها گزینه‌ای که باقی می‌ماند قبول فرضیه دوم، یعنی توالی ستاک گذشته و یک عنصر میانجی^۱ است. عنصر میانجی یا تکواژ میانجی^۲ میان سازه‌های یک ترکیب یا اشتقاق وقوع می‌یابد و معمولاً از نظر معنایی تهی بوده و تنها نقش آن پیوند میان سازه‌های دیگر است (یوسمان، ۱۹۹۶: ۶۹۶). از همین رو نگارندگان در تحلیل داده‌های بعدی از این فرضیه پیروی می‌کنند.

مبانی نظری

سه مقوله تصریف ذاتی فعل، که در بسیاری از زبان‌ها نمود ظاهری دارند، زمان، وجه و نمود هستند. این سه با هم نظام زمان-وجه-نمود زبان را تشکیل می‌دهند (بویج، ۲۰۰۷).

زمان

مفهوم زمان در دستور زبان مفهومی پیچیده و گاه گمراه‌کننده است. در دستورهای سنتی، هنگام تعریف زمان یا پرداختن به زمان فعل، با مفهومی روبرو می‌شویم که آمیخته با زمان واقعی^۳ است. تعریف زمان با توسل به اصطلاح «دلالیت» (مثلاً نک. خانلری، ۱۳۷۷: ۲۷) مبین این آمیختگی مفهومی است. صیغه‌های گذشته فعل لزوماً به گذشته و صیغه‌های حال لزوماً به حال دلالت نمی‌کنند، مانند مثال (۲۱) که هم زمان حال و هم زمان آینده فعل برای بیان رویدادی در گذشته به کار رفته‌اند؛ پدیده‌ای که به «این

4. praesens historicum

5. Comrie

6. lexically composite expressions

7. lexical items

8. grammatical categories

1. linking element

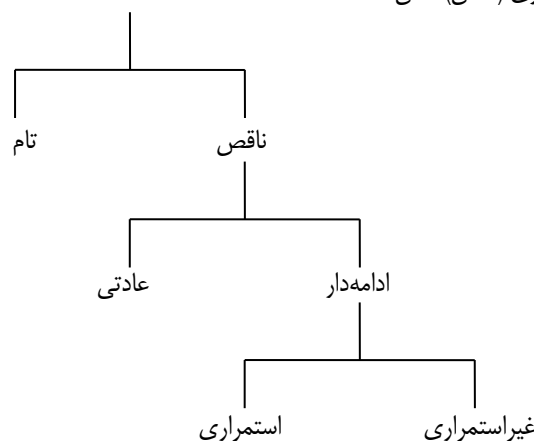
2. linking morpheme

3. time

نمود

دیدیم که زمان‌های دستوری زمان واقعی یک موقعیت را به زمان واقعی دیگری پیوند می‌دهند، اما نموده‌ها به ساخت زمانی داخلی موقعیت می‌پردازند و «راه‌های مختلف مشاهده سازوگرایی زمانی درونی^۱ یک موقعیت هستند» (کامری، ۱۹۷۶: ۳). نمود ممکن است منحصراً معنایی بوده و تظاهر صوری نداشته باشد، و در صورت تظاهر صوری، ممکن است واژگانی یا دستوری باشد. تصریف فعل یکی از راه‌های نشان دادن صوری نمود است.

مهمترین تمایز در مقوله نمود میان نموده‌های تام^۲ و ناقص^۳ است که در بیشتر زبان‌های شناخته‌شده وجود دارند. در زبان‌های مختلف تقسیم‌بندی‌های بیشتری از این مقوله وجود دارد و نموده‌هایی چون عادت^۴، ادامه‌دار^۵، استمرار^۶ و غیراستمراری^۷ به چشم می‌خورند. نمود تام تنها به پایان عمل یا کنش توجه دارد و به آغاز و امتداد آن نمی‌پردازد و عمل را به صورت یک کل می‌نمایاند (کامری، ۱۹۷۶: ۱۸). در مقابل، نمود ناقص به ساختار درونی رویداد بیشتر اهمیت می‌دهد و اشاره‌ای به پایان عمل نمی‌کند (همان: ۲۴). در شکل (۱) تقسیم‌بندی مقوله نمود از نگاه کامری (همان) نشان داده شده‌است.



شکل ۱: تقسیم‌بندی نموده‌های مختلف (برگرفته از کامری، ۱۹۷۶: ۲۵).

در مثال‌های زیر، جمله (۲۵) دارای نمود تام و دو جمله (۲۶) و (۲۷) دارای نمود ناقص هستند. دو جمله (۲۶) و (۲۷) نیز به نوبه خود تمایزی در نمود نشان می‌دهند که می‌توان اولی را ناقص غیراستمراری و دومی را ناقص استمراری خواند.

(۲۵) کتاب‌ها را خواندم.

(۲۶) کتاب‌ها را می‌خوانم.

(۲۷) دارم کتاب‌ها را می‌خوانم.

علاوه بر این، کامری (۱۹۷۶: ۵۲-۶۵) تقابل میان نموده‌های کامل^۸ و ناکامل^۹ را از یک سو، و تمایز آنها با نموده‌های تام و ناقص را نیز از سوی دیگر، از نظر دور نمی‌دارد. رفتار دو نمود کامل و ناکامل، از این جهت که برخلاف تعریف به ساختار درونی رویداد نمی‌پردازند، مانند سایر نموده‌ها نیست، تا جایی که برخی، از جمله کروز^{۱۰} (۲۰۰۶: ۱۲۵) و کریستال^{۱۱} (۲۰۰۸: ۳۵۶)، آن را مربوط به مقوله زمان می‌دانند و بر این باورند که نمود کامل به رویدادی اشاره دارد که پیش از حال به پایان رسیده‌است. به عنوان مثال، جمله (۲۸) دارای نمود ناکامل است؛ معلوم نیست در حال حاضر مداد هنوز گم باشد. اما جمله (۲۹) دارای نمود کامل است؛ مداد همچنان گم است و هنوز پیدا نشده‌است. با این حال می‌بینیم که جمله (۲۸) اگرچه دارای نمود ناکامل است، اما تام است؛ عمل به پایان رسیده و به صورت یک کل واحد با آن سروکار داریم. گاهی نیز نمود کامل است اما تام نیست، مانند جمله (۳۰) که جریان انجام فعل را نشان می‌دهد نه کلیت واحد آن را. اگرچه بیشتر زبان‌شناسان اصطلاحات تام و کامل، یا ناکامل و ناقص، را به جای هم به کار می‌برند، اما، چنانکه کریستال (۱۹۷۶) خاطر نشان می‌کند، در زبان‌هایی که این نموده‌ها در کنار هم وجود دارند، این مسأله ایجاد اشکال می‌کند. بر همین اساس است که، مثلاً در انگلیسی، چنین فرض می‌شود که زمان حال کامل استمراری (مثال ۳۰) تام و استمراری است، درحالی‌که، استمراری از شعب نمود ناقص است. به عبارت دیگر، چنانکه در هورامی نیز چنین است و در ادامه نشان داده می‌شود، نمود کامل لزوماً نمود تام نیست و نمود تام نیز نمود کامل نیست.

28) I lost my pen.

مدادم را گم کردم.

29) I have lost my pen.

مدادم را گم کرده‌ام.

30) I have been writing a paper since last summer.

از تابستان گذشته مشغول نوشتن یک مقاله بوده‌ام.

8. perfect
9. non-perfect
10. Cruse
11. Crystal

1. internal temporal constituency
2. perfective
3. imperfective
4. habitual
5. continuous
6. progressive
7. non-progressive

وجه

وجه میزان واقعیت^۱ رویدادی است که با صورت‌های تصریفی بیان می‌شود. در حقیقت وجه مجموعه‌ای از مقوله‌های صرفی است که میزان اعتقاد گوینده به باورپذیری، ضرورت، مطلوبیت یا واقعیت گزاره بیان شده را نمایان می‌سازد و با ارزش‌های امری، التزامی، خبری، شرطی، تمنایی و غیره بیان می‌گردد (شقاقی، ۱۳۹۴). تفاوت وجه با زمان و نمود در این است که مستقیماً به ویژگی‌های رویداد مربوط نمی‌شود، بلکه راجع به وضعیت گزاره‌ای است که رویداد را بیان کرده است (پالمر، ۲۰۰۱: ۱).

زبان‌های مختلف به صورت‌هایی متفاوت از امکانات این مقوله دستوری استفاده می‌کنند، اما وجه‌هایی که در بیشتر زبان‌ها کاربرد دارند، عبارتند از: اخباری یا بیانی^۲، التزامی^۳، شرطی^۴، آرزویی^۵، امری^۶ و پرسشی^۷. وجه اخباری یا بیانی بی‌نشان‌ترین وجه در همه زبان‌ها است و حاکی از بیان خبر توسط گوینده‌ای است که به صحت آن معتقد است. وجه التزامی برای بیان تردید، شرط، آرزو و فرض به کار می‌رود. وجه شرطی بر وضعیت یا رویدادی فرضی یا تخیلی دلالت می‌کند. وجه آرزویی بیانگر تمنا، امید یا آرزو است. وجه امری دستور و فرمان را القا می‌کند و وجه پرسشی نیز راجع به جملات پرسشی است. (غلامعلی زاده، زیر چاپ)

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش به معرفی بازنمایی تصریفی زمان، نمود و وجه در افعال هورامی می‌پردازیم. فعل هورامی دارای دو ستاک گذشته و حال است که جداگانه (مثال‌های ۳۱ و ۳۲) یا با هم (مثال ۳۳)، اساس تولید زمان‌های مختلف قرار می‌گیرند.

31) di-m
see.PAST-1st.Sg.Subj

دیدم.

32) mæ-win-u
IND-see.PRES-1st.Sg.Subj

می‌بینم.

33) ward-i-m-wær-u
eat.PAST-Link-IND-eat.PRES-1st.Sg.Subj

دارم می‌خورم.

در مثال (۳۱) از ستاک گذشته مصدر dijæj «دین» (di) زمان گذشته ساده، و در مثال (۳۲) از ستاک حال آن (win) زمان حال ساده ساخته شده‌است. در مثال (۳۳) مشاهده می‌شود که هر دو ستاک گذشته و حال فعل wardæj «خوردن»، یعنی ward و wær، در گونه‌ای از فرایند دوگان‌سازی، با هم زمان حال استمراری را تولید کرده‌اند.

نظام زمان در هورامی دارای یک تقابل دوگانه میان گذشته و حال است. گرچه بیشتر زمان‌های حال از ستاک حال و بیشتر زمان‌های گذشته از ستاک گذشته ساخته می‌شوند، اما گذشته یا حال بودن ستاک، به تنهایی، تعیین‌کننده گذشته یا حال بودن زمان فعل نیست. در مثال (۳۴) زمان فعل حال است اما در ساخت

آن هر دو ستاک دخالت دارند، در مثال (۳۵) زمان فعل گذشته است اما از ستاک حال ساخته شده، و در مثال (۳۶) نیز هر دو ستاک در تولید زمانی دخیل هستند که گذشته است.

34) kærð-i-mæ-kær-u
do.PAST-Link-Ind-do.PRES-1st.Sg.Subj

دارم انجام می‌دهم.

35) wær-εnε
eat.PRES-1st.Sg.Subj

می‌خوردم.

36) mærd-i-mr-εfī
die.PAST-Link-die.PRES-2nd.Sg.Subj

داشتی می‌مردی.

فعل ربطی bjæj «بودن»

از آنجا که در ساخت برخی زمان‌های هورامی صورت‌های مختلفی از فعل ربطی bjæj «بودن» مشارکت دارند، نخست صرف فعل مذکور را، جهت پرهیز از معرفی پراکنده آن ذیل هر مقوله از زمان‌ها، اجمالاً معرفی می‌کنیم. این فعل دارای ده مقوله مختلف زمان-وجه-نمود است، که در جدول (۱) نشان داده شده‌است. از آنجا که این مقولات هنوز معرفی نشده و در بخش‌های بعدی مورد بررسی قرار خواهند گرفت، از عنوان‌های آشنای دستورهای سنتی فارسی برای نام‌گذاری آنها استفاده می‌شود. از ده مقوله موجود، تنها مضارع ساده و گذشته شرطی/آرزویی این فعل دارای صورت واژه‌بستی هستند. صورت‌هایی از این فعل که در ساخت زمان‌ها شرکت می‌کنند عبارتند از: صورت واژه‌بستی مضارع ساده، مضارع التزامی، ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی التزامی و صورت واژه‌بستی گذشته شرطی/آرزویی.

1. actuality
2. indicative
3. subjunctive
4. conditional
5. optative
6. imperative
7. interrogative

جدول ۱. صرف فعل ربطی bjæj «بودن» در زمان‌های مختلف.

1sg	2sg	3sg.m	3sg.f	1pl	2pl	3pl	
hænan(ε)	hæni	hæn	hænæ	hænm/hænme	hændæ	hæne	صورت آزاد
-nan(ε)	-ni	-n	-næ	-nm/-nme	-ndæ	-ne	مضارع ساده واژه‌بست
mæwu	mæwi	mæwo	mæwo	mæweme	mæwede	mæwan(ε)	مضارع استمراری
bu	bi	bo	bo	beme	bede	ban(ε)	مضارع التزامی
-	bæ	-	-	-	bæde	-	امری
bene	befi	bε	bε	beme	bede	bene	ماضی ساده
bjenan(ε)	bjeni	bjæn	bjænæ	bjenm/bjenme	bjende	bjene	ماضی نقلی
bjebene	bjebefi	bjæbe	bjæbe	bjebeme	bjebede	bjebene	ماضی بعید
bjebjenan	bjebjeni	bjæbjæn	bjæbjænæ	bjebjenme	bjebjende	bjebjene	ماضی ابد
bjæbu/bjebu	bjæbi/bjebi	bjæbo	bjebo	bjebeme	bjebede	bjeban(ε)	ماضی التزامی
bibajne	bibajfi	bibja	bibja	bibajme	bibajde	bibajne	گذشته صورت آزاد
bajne	bajfi	bja	bja	bajme	bajde	bajne	شرطی/آرزویی واژه‌بست

زمان حال

الف) حال اخباری ناقص غیراستمراری ناکامل

این زمان، که همان حال ساده یا مضارع اخباری است، از ستاک حال فعل و طبق فرمول زیر ساخته می‌شود. تکواژ mæ/m- نشانه زمان حال و وجه اخباری است. در این فرمول، u, i, o و غیره، شناسه‌های فاعلی هستند که به ستاک فعل می‌پیوندند. واج‌هایی که علامت (/) میان آنها آمده بسته به شرایط آوایی به جای هم ظاهر می‌شوند و واج‌های داخل پرانتز نیز اختیاری‌اند و گاه در گفتار تلفظ نمی‌شوند. این فعل با افزودن علامت نفی (/n/ یا /næ/) به ابتدای آن منفی می‌شود.

mæ/m + verb.PRES +

	u/w
	i/j
	o/j
	m/me
	dε
	an(ε)

ب) حال اخباری/تأکیدی ناقص استمراری ناکامل

حال استمراری یا مضارع استمراری از هر دو ستاک گذشته و حال فعل و طبق فرمول زیر ساخته می‌شود. این فعل، و همه افعال حاصل از دوگان‌سازی، به ندرت منفی می‌شوند و در صورت منفی شدن، که ساختی نشان‌دار به دست می‌دهد، علامت نفی به پیش از mæ/m ملحق می‌شود.

verb.PAST + i/j + mæ/m + verb.PRES +

	u/w
	i/j
	o/j
	m/me
	dε
	an(ε)

مثال:

39) wt-i-mæ-ws-o

sleep.PAST-Link-Ind-sleep.PRES-3rd.Sg

دارد می‌خواهد.

پ) حال التزامی ناقص غیر استمراری ناکامل

مضارع التزامی از ستاک حال فعل ساخته می‌شود و فرمول ساخت آن به شرح زیر است. برای منفی کردن این فعل عنصر نفی به جای عنصر التزامی ساز (/b/) قرار می‌گیرد.

جملات (۳۷) و (۳۸) مثالهایی از کاربرد این فعل هستند.

37) kar mæ-kær-u
work Ind-do.PRES-1st.Sg.Subj

کار می‌کنم.

38) n-mæ-win-i
Neg-Ind-see.PRES-2nd.Sg.Subj

نمی‌بینی.

برای نمونه در مثال‌های (۴۶) و (۴۷) شخص و شمار هر دو فعل یکی است اما به خاطر لازم بودن اولی و متعدی بودن دومی، شناسه‌های آنها متفاوتند. علت این امر ساخت کنایی در هورامی است، که در مقدمه و پیشینه پژوهش به آن پرداخته شد.

46) wt-an
sleep.PAST-1st.Sg.

خوابیدم.

47) ward-m
eat.PAST-1st.Sg.

خوردم.

نکته دیگری که بایستی مد نظر قرار گیرد این است که ساخت فعل متعدی در صورت حضور مفعول به شکل مثال (۴۷) نیست. اگر مفعول در جمله حضور داشته باشد، چه به صورت اسم و چه به صورت ضمیر منفصل، شناسه از فعل جدا شده و به مفعول متصل می‌شود و فعل با شخص و شمار مفعول مطابقت می‌کند، مانند جمله‌های (۴۸) و (۴۹). و اگر مفعول به صورت واژه‌بست در جمله بیاید، میان ستاک فعل و شناسه قرار می‌گیرد، مانند جمله‌های (۵۰) و (۵۱).

48) awi-m ward-æ
water.Sg.f.-1st.Sg.Subj eat.PAST-Sg.f.

آب خوردم.

49) tʃaj-m ward-φ
tea.Sg.m.-1st.Sg.Subj eat.PAST-Sg.m.

چایی خوردم.

50) kuft-i-m
kill.PAST.2nd.Sg.Obj-1st.Sg.Subj

کشتمت.

51) kuft-anε-ǫ
kill.PAST-1st.Sg.Obj-2nd.Sg.Subj

کشتیم (تو مرا کشتی).

فرمول تولید این زمان به صورت زیر است. شناسه‌های افعال لازم در سمت چپ و شناسه‌های افعال متعدی در سمت راست آمده‌اند. شناسه‌های فاعلی افعال لازم می‌توانند در ساخت‌های متعدی به عنوان مفعول واژه‌بستی پیش از شناسه‌های فاعلی قرار می‌گیرند، مانند مثال (۵۱). منفی کردن این فعل با افزودن پیشوند منفی ساز /n/ یا /næ/ صورت می‌گیرد.

verb.PAST +	an(ε)	m
	i	ǫ
	m: φ /f: æ	ʃ
	εmε	man
	εδε	tan
	ε	ʃan

b + verb.PRES +	u/w
	i/j
	o/j
	m/me
	dε
	an(ε)

مثال:

40) b-kjan-u pæj to
Sub-send.PRES-1st.Sg. to you

بفرستم برای تو.

41) næ-kjan-mε pæj-ʃ
Neg.Sub-send.PRES-1st.Pl. to-3rd.Sg

برایش نفرستیم.

ت) حال امری ناقص غیراستمراری ناکامل

فعل امر در هورامی از ستاک حال، طبق فرمول زیر ساخته می‌شود و تنها دارای دو صیغه برای دوم شخص مفرد و جمع است. فعل امر با جایگزینی /b/ یا /m/ یا /mæ/ منفی می‌شود. پیشوند امری ساز /b/ که در داخل پرائتر آمده به این معنی است که برخی افعال بدون این وند امری می‌شوند و آمدن پیشوند با آنها منجر به ساختی غیردستوری می‌شود.

(b) + verb.PRES +	æ
	dε

مثال:

42) b-wær-æ
Imp-eat.PRES-2nd.Sg.

بخور.

43) m-wær-æ
Imp.Neg-eat.PRES-2nd.Sg.

نخور.

44) lu-æ
go.PRES-2nd.Sg.

برو.

45) b-lu-æ*
Imp-go.PRES-2nd.Sg.

برو*.

گذشته

الف) گذشته اخباری تام ناکامل

گذشته ساده از ستاک گذشته فعل و شناسه‌هایی متفاوت از آنچه در زمان‌های حال مشاهده شد، ساخته می‌شود. لازم به ذکر است که در این زمان، و بیشتر زمان‌های گذشته، شناسه‌هایی که با فعل لازم همراه می‌شوند با شناسه‌هایی که با فعل متعدی همراه می‌شوند تفاوت دارند.

verb.PAST + i + verb.PRES +	ɛnɛ
	ɛfi
	ɛ
	ɛmɛ
	ɛdɛ
	ɛnɛ

مثال:

54) wræt-i-wræf-ɛ
sell.PAST-Link-sell.PRES-3rd.Sg.Subj
داشت می فروخت.

ث) گذشته اخباری تام کامل

این زمان، که معادل حال کامل در انگلیسی و ماضی نقلی در فارسی است، از ستاک گذشته فعل، تکواژ اسم مفعول ساز (که بسته به شرایط آوایی، شخص، شمار و جنس شناسه تغییر شکل می دهد) و صورت واژه بستی زمان مضارع ساده فعل ربطی bjæz «بودن» ساخته می شود. در این زمان نیز ساخت کنایی به چشم می خورد و صورت فعل متعدی با صورت فعل لازم متفاوت است. فرمول ساخت آن به شرح زیر است و شناسه های سمت راست مربوط به افعال متعدی و شناسه های سمت چپ مربوط به افعال لازم هستند. در صورت حضور مفعول در جمله به صورت اسم یا ضمیر منفصل، شناسه از فعل جدا شده و به مفعول می پیوندد، اما در صورتیکه مفعول به صورت ضمیر واژه بستی بیاید، میان فعل و شناسه قرار می گیرد. این فعل با افزودن پیشوند منفی ساز /næ/ یا /n/ به پیش از ستاک منفی می شود. لازم به ذکر است، تکواژ اسم مفعول ساز در صورتی که ستاک فعل به a ختم شود، j خواهد بود و در غیر این صورت، jz در مورد سوم شخص مفرد که به صورت æ ظاهر می شود، واج ɛ است.

verb.PAST + æ/ɛ/j	nan	m
	ni	ɸ
	m: n/f: næ	f
	nm(ɛ)	man
	nde	tan
	nɛ	fan

مثال:

55) wt-æ-n
sleep.PAST-Part-be.3rd.Sg.m
خوابیده است.

56) mærd-ɛ-næ
die.PAST-Part-be.3rd.Sg.f
مرده است.

57) kɔft-ɛ-ni-m
kill.PAST-Part-2nd.Sg.Obj-1st.Sg.Subj
کشته ام.

ب) گذشته اخباری ناقص غیراستمراری ناکامل

این زمان از ستاک حال ساخته می شود و ساخت آن به شرح فرمول زیر است. چنانکه مشاهده می شود، شناسه های این زمان متفاوت از شناسه های هستند که تا اینجا معرفی شدند. این فعل نیز با افزودن پیشوند منفی ساز /næ/ یا /n/ منفی می شود.

verb.PRES +	ɛnɛ
	ɛfi
	ɛ
	ɛmɛ
	ɛdɛ
	ɛnɛ

مثال:

52) dærz wan-ɛnɛ pæj emthan-i
lesson study.PRES-1st.Sg.Subj for exam-Obj
برای امتحان درس می خواندم.

پ) گذشته اخباری /تأکیدی ناقص غیراستمراری ناکامل

این زمان از دو ستاک گذشته ساخته می شود و ساخت آن طبق فرمول زیر است. در این زمان نیز شناسه های افعال لازم و متعدی متفاوتند. شناسه های سمت چپ شناسه های افعال لازم و شناسه های سمت راست شناسه های افعال متعدی هستند. در این زمان نیز شاهد ساخت کنایی هستیم. این فعل نیز به ندرت و با تکواژ /næ/ یا /n/ منفی می شود.

verb.PAST + i/j + verb.PAST	an(ɛ)	m
	i	ɸ
	m: ɸ /f: æ	f
	ɛmɛ	man
	ɛdɛ	tan
	ɛ	fan

مثال:

53) kɔft-i-fan-kɔft-ɸ? næ mærd-i-mærd-ɸ
kill-PAST-Link-3rd.Pl.Obj-kill.PAST-3rd.Sg.Subj
no die.PAST-Link-die.PAST-3rd.Sg

او را کشتند؟ نه مرد (تأکید بر مردن به جای کشته شدن).

ت) گذشته اخباری /تأکیدی ناقص استمراری ناکامل

این زمان از دو ستاک گذشته و حال ساخته می شود. ساخت آن تقریباً مانند زمان حال استمراری است، جز اینکه فاقد تکواژ /mæ/ یا /m/ است و شناسه های آن متفاوت است. ساخت آن به شرح زیر است. این فعل نیز به ندرت منفی می شود و در صورت منفی شدن با افزودن پیشوند منفی ساز /næ/ یا /n/ به پیش از ستاک دوم منفی می شود.

گیرند. در این زمان، فعل با افزودن علامت نفی به ابتدای آن منفی می‌شود.

verb.PAST + j/ ε/ æ +	bɛnɛ	m
	bɛʃi	ʃ
	bɛ	ʃ
	bɛmɛ	man
	bɛdɛ	tan
bɛnɛ	ʃan	

مثال:

61) wt-ε-bɛʃi
sleep.PAST-Part-be.PAST.2nd.Sg
خوابیده بودی.

62) di-ε-bɛʃi-m
see.PAST-Part-2nd.Sg.Obj-1st.Sg.Subj
دیده بودمت.

ح) گذشته بعید اخباری/تأکیدی ناقص استمراری کامل

این فعل از دو ستاک گذشته فعل، که دومی تکواژ اسم مفعول ساز می‌گیرد، به همراه گذشته ساده فعل ربطی bjæz «بودن» ساخته می‌شود. ساخت این زمان کنایی است، کم کاربرد است و به ندرت منفی می‌شود. در صورت منفی شدن، نشانه نفی به پیش از ستاک دوم می‌پیوندد. مانند مورد (ت) که پیشتر ذکر شد، در این زمان نیز، چنانچه فعل متعدی و مفعول واژه‌بست ضمیری باشد، جایگاه شناسه پیش از ستاک دوم است، چنانکه در مثال (۶۴) دیده می‌شود. مفعول نیز به صورت شناسه‌های فعل‌های لازم همین زمان به انتهای فعل می‌پیوندد. شناسه‌های سمت چپ و راست به ترتیب مربوط به فعل‌های لازم و متعدی هستند.

verb.PAST + i/j + verb.PAST + j/ ε/ æ +	bɛnɛ	m
	bɛʃi	ʃ
	bɛ	ʃ
	bɛmɛ	man
	bɛdɛ	tan
	bɛnɛ	ʃan

مثال

63) lwa-j-lwa-j-bɛmɛ
go.PAST-Link-go.PAST-Part-be.PAST.1st.Pl.
(تحت اللفظی) داشته بودیم می‌رفته بودیم.

58) awi-m ward-ε-næ
water.Sg.f.-1st.Sg.Subj eat.PAST-Part-3rd.Sg.f.
آب خورده‌ام.

ج) گذشته اخباری/تأکیدی ناقص استمراری کامل

این زمان از دو ستاک گذشته فعل، که یکی از آنها به صورت اسم مفعول در آمده، و صورت واژه‌بستی زمان مضارع ساده فعل ربطی bjæz «بودن» ساخته می‌شود. ساخت فعل در این زمان کنایی است و فرمول ساخت آن در زیر دیده می‌شود. در این زمان، چنانچه فعل متعدی بوده و مفعول واژه‌بست ضمیری باشد، جایگاه شناسه پیش از ستاک دوم است، چنانکه در مثال (۶۰) دیده می‌شود. لازم به ذکر است که مفعول در این صورت به صورت شناسه‌های فعل‌های لازم همین زمان به انتهای فعل می‌پیوندد. به عبارت دیگر، پایانه ضمیری فعل در فعل‌های لازم شناسه فاعلی و در فعل‌های متعدی شناسه مفعولی است. این فعل به ندرت منفی می‌شود و در صورت منفی شدن علامت نفی /næ/ یا /n/ به پیش از ستاک دوم افزوده می‌شود. شناسه‌های سمت چپ مربوط به فعل‌های لازم و شناسه‌های سمت راست از آن فعل‌های متعدی هستند.

verb.PAST + i/j + verb.PAST + j/ε/æ +	nan	m
	ni	ʃ
	m: n/ f: næ	ʃ
	nm/nmɛ	man
	nde	tan
	nɛ	ʃan

مثال:

59) lua-j-lwa-j-næ
go.PAST-Link-go.PAST-Part-be.
PRES.3rd.Sg.f

داشته است می‌رفته است.

60) ward-i-m-ward-ε-nɛ
eat.PAST-Link-1st.Sg.Subj-eat.Past-Part-3rd.Pl.Obj

داشته‌ام می‌خورده‌امشان.

چ) گذشته بعید اخباری تام کامل

این زمان، که معادل گذشته کامل انگلیسی و ماضی بعید فارسی است، از ستاک گذشته فعل، تکواژ اسم مفعول ساز و گذشته ساده فعل ربطی bjæz «بودن» ساخته می‌شود. ساخت فعل کنایی است و شناسه‌های فعل‌های لازم و متعدی متفاوت هستند. شناسه‌های سمت چپ مربوط به فعل‌های لازم و شناسه‌های سمت راست از آن فعل‌های متعدی هستند. شناسه‌های افعال لازم می‌توانند به صورت مفعول واژه‌بستی پیش از شناسه فاعلی قرار

verb.PAST + ε/ j/ æ +	bu	m
	bi	ϕ
	bo	ʃ
	bεmε	man
	bεdε	tan
	ban(ε)	ʃan

مثال:

68) lwa-j-ban
go.PAST-Part-be.PAST.SUB.3rd.Pl.

رفته باشند.

69) εmæ-tan di-ε-bεmε
we-2nd.Pl.Subj see.Past-Part-be.PAST.
SUB.1st.Pl.Obj

ما را دیده باشید.

70) di-ε-bεmε-tan
see.Past-Part-be.PAST.SUB.1st.Pl.Obj-
2nd.Pl.Subj

دیده باشیدمان.

ذ) گذشته التزامی تام کامل

این زمان را می‌توان گذشته التزامی بعید به شمار آورد، که از ستاک گذشته فعل، تکواژ اسم مفعول ساز و ماضی التزامی فعل ربطی bjæz «بودن» ساخته می‌شود و با افزودن وند منفی ساز به پیش از آن منفی می‌شود. این زمان نیز از لحاظ ساخت کنایی و رفتار فعل با فاعل و مفعول واژه‌بستی و غیرواژه‌بستی مانند دو زمان پیش است.

verb.PAST + ε/ j/ æ +	bjæbu	m
	bjεbi	ϕ
	m: bjæbo/f: bjεbo	ʃ
	bjεbεmε	man
	bjεbεdε	tan
	bjεban(ε)	ʃan

مثال

71) lwa-j-bjæbu
go.PAST-Part-be.PAST.PERF.SUB.1st.Sg.

(تحت‌اللفظی) رفته بوده باشم.

72) aϕε-man di-ε-bjεban
they-1st.Pl.Subj see.Past-Part-be.PAST.
PERF.SUB.3rd.Pl.Obj

(تحت‌اللفظی) آنها را دیده بوده باشیم.

73) di-ε-bjεbanε-man
see.PAST-Part-be.PAST.PERF.
SUB.3rd.Pl.Obj-1st.Pl.Subj

(تحت‌اللفظی) دیده بوده باشیمشان.

64) ward-i-ʃan-ward-æ-be
eat.PAST-Link-3rd.Pl.Subj-eat.PAST-Part-
be.PAST.3rd.Sg.Obj

(تحت‌اللفظی) داشته بودند آن را می‌خورده بودند.

خ) گذشته ابعاد اخباری تام کامل

این زمان که ماضی ابعاد نیز خوانده می‌شود، از ستاک گذشته فعل، تکواژ اسم مفعول ساز و زمان حال کامل فعل ربطی bjæz «بودن» ساخته می‌شود و با افزودن وند منفی ساز به پیش از آن، منفی می‌شود. این زمان نیز ساخت کنایی دارد و شناسه‌های مربوط به افعال لازم و متعدی متفاوت، و به ترتیب در سمت چپ و راست فرمول ساخت آن آمده‌اند. در صورتی که مفعول به صورت اسم یا ضمیر منفصل در جمله حضور داشته باشد، شناسه فاعلی به مفعول پیوسته و ضمیر واژه‌بستی مفعولی (که معادل شناسه‌های مربوط به افعال لازم است) پس از فعل ظاهر می‌شود، مانند مثال (۶۶). اما در غیر این صورت، شناسه مفعولی میان فعل و شناسه فاعلی قرار می‌گیرد، مانند مثال (۶۴).

verb.PAST + ε/ j/ æ +	bjεnan	m
	bjεni	ϕ
	m: bjæn/f: bjεnæ	ʃ
	bjεnm(ε)	man
	bjεnde	tan
	bjεne	ʃan

مثال:

65) lwa-j-bjεnde
go.PAST-Part-be.PAST.PERF.2nd.Pl.

رفته بوده‌اید.

66) to-ʃan oward-ε-bjεni
you-3rd.Pl.Subj bring.PAST-Part-be.PAST.
PERF. 2nd.Sg.Obj

تو را آورده بوده‌اند.

67) oward-ε-bjεni-ʃan
bring.PAST-Part-be.
PAST.PERF.2nd.Sg.Obj-3rd.Pl.Subj

آورده بوده‌اندت.

د) گذشته التزامی تام ناکامل

ماضی التزامی از ستاک گذشته فعل، تکواژ اسم مفعول ساز و مضارع التزامی فعل ربطی bjæz «بودن» ساخته می‌شود و با افزودن وند منفی ساز به پیش از آن منفی می‌شود. این زمان نیز ساخت کنایی دارد و شناسه‌های افعال لازم و متعدی متفاوتند. رفتار فعل در مورد فاعل و مفعول واژه‌بستی و غیرواژه‌بستی در این زمان نیز مانند زمان قبل است.

ر) گذشته شرطی/آرزویی تام کامل

مثال:

77) lwa-j-lwa-j-bjajfi
go.PAST-Link-go.PAST-Part-
be.PAST.CON.2nd.Sg.

(تحت‌اللفظی: اگر/کاش) داشته بودی می‌رفته بودی.

78) kuft-i-m-kuft-ε-bjajfi
kill.PAST-Link-1st.Sg.Subj-kill.PAST-Part-
be.PAST.CON.2nd.Sg.Obj

(تحت‌اللفظی: اگر/کاش) داشته بودم می‌کشته بودمت.

این زمان از ستاک گذشته فعل، تکواژ اسم مفعول ساز و صورت واژه‌بستی گذشته شرطی/آرزویی فعل ربطی bjæz «بودن» ساخته می‌شود و با افزودن وند منفی‌ساز به پیش از آن منفی می‌شود. این زمان نیز از لحاظ ساخت کنایی و رفتار فعل با فاعل و مفعول واژه‌بستی و غیرواژه‌بستی مانند دو زمان پیش است.

verb.PAST + ε/j/æ +

bjajne	m
bjajfi	ð
bja	f
bjajme	man
bjajde	tan
bjajne	fan

مثال:

74) lwa-j-bja
go.PAST-Part-be.PAST.CON.3rd.Sg.

(اگر/کاش) رفته بود.

75) to-m di-ε-bjajfi
you-1st.Sg.Subj see.Past-Part-be.PAST.
CON.2nd.Sg.Obj

(اگر/کاش) تو را دیده بودم.

76) di-ε-bjajfi-m
see.Past-Part- be.PAST.CON.2nd.Sg.Obj-
1st.Sg.Subj

(اگر/کاش) دیده بودمت.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش مشخص شد که برآیند سه مقوله دستوری زمان، وجه و نمود در هورامی ۱۷ حالت مختلف دارد (که برای سهولت آنها را ۱۷ زمان می‌خوانیم). مقوله زمان در این زبان دارای دو حالت است: یا حال است و یا گذشته. اما تقسیم‌بندی نمود و وجه پیچیده‌تر است. پنج نمود در این زبان به چشم می‌خورند که عبارتند از:

۱. تام
۲. ناقص غیراستمراری
۳. ناقص استمراری
۴. کامل
۵. ناکامل

چنانکه در این فهرست و فهرست زمان‌های مختلف مشاهده می‌شود، در هورامی نمودهای تام و ناقص در کنار نمودهای کامل و ناکامل وجود دارند. به زعم کامری (۱۹۷۶)، نمود تام و ناقص ناظر بر ساختار درونی فعل هستند. اگر در گزاره به ساخت درونی فعل دسترسی وجود داشته باشد نمود ناقص و در غیر این صورت تام است. اما نمود کامل و ناکامل ارتباطی به ساخت درونی فعل ندارند و تنها نکته حائز اهمیت در تمایز آنها تمام شدن یا نشدن رویداد در لحظه زمانی مورد نظر است. تقارن نمودهای ناقص و کامل در زمان‌های (ج)، (ح) و (ز) و نمودهای تام و ناکامل در زمان‌های (الف) و (د)، دال بر صحت این مدعا است.

هورامی دارای پنج وجه مختلف است، که عبارتند از:

۱. اخباری
۲. اخباری/تأکیدی
۳. التزامی
۴. امری
۵. شرطی/آرزویی

ز) گذشته شرطی/آرزویی/تأکیدی ناقص استمراری کامل

این زمان از دو ستاک گذشته فعل، که دومی با تکواژ اسم مفعول ساز ترکیب می‌شود، و صورت واژه‌بستی گذشته شرطی/آرزویی فعل ربطی bjæz «بودن» ساخته می‌شود. این ساخت به ندرت منفی می‌شود و در صورت منفی شدن، وند منفی‌ساز به پیش از ستاک دوم افزوده می‌شود. این زمان نیز دارای ساخت کنایی است و شناسه فعل‌های لازم و متعدی متفاوت بوده و به ترتیب در سمت چپ و راست فرمول قرار دارند. شناسه مفعولی فعل‌های متعدی همان شناسه‌های فاعلی افعال لازم هستند. در صورتی که مفعول واژه‌بستی باشد (که اغلب چنین است) شناسه فاعلی به پیش از ستاک دوم می‌پیوندد.

verb.PAST + i/j + verb.PAST + j/ε/
æ +

bjajne	m
bjajfi	ð
bja	f
bjajme	man
bjajde	tan
bjajne	fan

نتیجه دیگری که از این بررسی به دست آمد این بود که سازه‌ای که در افعال حاصل از دوگان‌سازی در جایگاه نخست قرار می‌گیرد، مانند *kuʃt-i* در *kuʃt-i-mæ-kuʃ-u* «دارم می‌کشم»، برخلاف نظر دبیرمقدم (۱۳۹۲)، هولمبرگ و اودن (۲۰۰۴) و کریمی و نقشبندی (۱۳۹۰)، نه اسم مفعول است، نه مفعول هم‌ریشه و نه مصدر. این سازه استقلال معنایی و ساختاری ندارد و به اغلب احتمال ترکیب ستاک گذشته فعل با یک عنصر میانجی است که تلفظ ساخت‌هایی همچون *kuʃt-mæ-kuʃ-u* و *ward-wær-ene* را روان‌تر و آسان‌تر می‌کند.

منابع

- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*. تهران: سمت.
- راسخ مهند، محمد و زانیار نقشبندی (۱۳۹۲ الف). تأثیر عوامل کلامی بر تعیین الگوی حالت در گویش هورامی. *جستارهای زبانی*، دوره ۴، شماره ۴ (پیاپی ۱۶)، ۸۷-۱۰۹.
- راسخ مهند، محمد و زانیار نقشبندی (۱۳۹۲ ب). تأثیر قدرت موضوعات فعلی بر حالت‌نمایی افتراقی: شواهدی از گویش هورامی. *مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران*، سال اول شماره اول، ۱-۲۱.
- شقاقی، ویدا (۱۳۹۴). *فرهنگ توصیفی صرف*. تهران: انتشارات علمی.
- عباسی، بیستون (۱۳۹۰). *معناشناسی واژگان خویشاوندی هورامی به روش تحلیل مؤلفه‌ای*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه رازی کرمانشاه.
- غلامعلی زاده، خسرو (زیر چاپ). *فرهنگ زبان‌شناسی و زبان‌ها*. تهران: سمت.
- کریمی دوستان، غلامحسین و زانیار نقشبندی (۱۳۹۰). ساخت‌های کنایی در هورامی. *پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*، دوره ۲، شماره ۲ (پیاپی ۶)، ۷۳-۹۹.
- کریمی، یادگار و زانیار نقشبندی (۱۳۹۰). ساخت‌های استمراری-تأکیدی در گویش هورامی. *پژوهش‌های زبانی*، دوره ۲، شماره ۱، ۸۳-۱۰۰.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۷۷). *دستور زبان فارسی*. ویرایش ۳. تهران: انتشارات توس.
- نقشبندی، زانیار (۱۳۹۰). *ساخت‌های کنایی در گویش هورامی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه کردستان، سنندج.
- نقشبندی، زانیار (۱۳۹۳). ساخت‌های کنایی نشاندار در هورامی: تقابل دو رویکرد کمینه‌گرا. *پژوهش‌های زبانی*، سال ۵، شماره ۲، ۱۱۳-۱۳۲.

- Booij, G. (2007). *The Grammar of Words: An Introduction to Morphology*. Second Edition. New York: Oxford University Press.
- Bussmann, H. (1996). *Routledge Dictionary of Language and Linguistics*. Translated and Edited by G. Trauth and K. Kazazi. London and New York: Routledge.

از ۱۷ زمان موجود، چهار زمان حال و ۱۳ زمان گذشته‌اند. حال:

- الف) حال اخباری ناقص غیراستمراری ناکامل
ب) حال اخباری ناقص استمراری ناکامل
پ) حال التزامی ناقص غیر استمراری ناکامل
ت) حال امری ناقص غیراستمراری ناکامل

گذشته:

- الف) گذشته اخباری تام ناکامل
ب) گذشته اخباری ناقص غیراستمراری ناکامل
پ) گذشته اخباری/تأکیدی ناقص استمراری ناکامل
ت) گذشته اخباری/تأکیدی ناقص غیراستمراری ناکامل
ث) گذشته اخباری تام کامل
ج) گذشته اخباری/تأکیدی ناقص استمراری کامل
چ) گذشته بعید اخباری تام کامل
ح) گذشته بعید اخباری/تأکیدی ناقص استمراری کامل
خ) گذشته ابد اخباری تام کامل
د) گذشته التزامی تام ناکامل
ذ) گذشته التزامی تام کامل
ر) گذشته شرطی/آرزویی تام کامل
ز) گذشته شرطی/آرزویی/تأکیدی ناقص استمراری کامل

چنانکه پیشتر ذکر شد، نظام زمان -نمود-وجه هورامی در پژوهش‌های پیشین به طور کامل معرفی نشده بود. مکنزی (۱۹۶۶) که جامع‌ترین آنها است، تنها ۱۰ زمان را (در هورامی لهونی) معرفی کرده، دبیرمقدم (۱۳۹۲) تنها از هفت زمان نام برده و هولمبرگ و اودن (۲۰۰۴) نیز تنها چهار زمان را باز شناخته‌اند.

علاوه بر این مشخص شد که زبان هورامی دارای ساخت عمدتاً کنایی است. جز زمان‌های حال و موارد (ب) و (پ) در زمان گذشته (ع) زمان، بقیه زمان‌ها (۱۱ زمان) دارای ساخت کنایی هستند. دبیرمقدم (۱۳۹۲) در این خصوص معتقد است هورامی در زمان حال دارای ساخت مفعولی و در زمان گذشته دارای ساخت کنایی است، بدون اینکه تفکیکی میان انواع زمان گذشته قائل شود. چنانکه گفته شد حکم دبیرمقدم جز در دو مورد، بای همه زمان‌های گذشته صادق است. هولمبرگ و اودن (۲۰۰۴)، نقشبندی (۱۳۹۳)، کریمی دوستان و نقشبندی (۱۳۹۰) و راسخ مهند و نقشبندی (۱۳۹۲ ب) نیز معتقدند هورامی تنها در زمان گذشته ساده دارای ساخت کنایی است، که دیدیم گستره این ساخت در هورامی گسترده‌تر از گذشته ساده است.

- Comrie, B. (1976). *Aspect*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Comrie, B. (1985). *Tense*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Cruse, A. (2006). *A Glossary of Semantics and Pragmatics*. Edinburg: Edinburg University Press.
- Crystal, D. (2008). *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*. 6th Edition. Blackwell Publishing.
- Gunter, M. M. (2003). *The A to Z of the Kurds*. Lanham: Scarecrow Press, Inc.
- Haig, G. L. (2004). *Alignment in Kurdish: a diachronic perspective*. Unpublished
- Habilitationsschrift*: Philosophische Fakultät der Christian-Albrechts-Universität zu Kiel.
- Holmberg, A., & D. Odden (2004). The Izafe and NP Structure in Hawrami. *Durham Working Papers in Linguistics*, 10, 77-93.
- MacKenzie, D. N. (1961). The Origins of Kurdish. *Transactions of the Philological Society*, 60(1), 68-86.
- MacKenzie, D. N. (1966). *The Dialect of Awroman (Hawraman_i Luhon)*. Kobenhavn: The Royal Danish Academy of Science and Letters.
- Palmer, F. R. (2001). *Mood and Modality*, 2nd edition. Cambridge: Cambridge University Press.